

کالبد شناسی جریان آزادی اطلاعات در دولت الکترونیک و تاثیر آن بر امنیت ملی دولت ها از منظر حقوق بشر

| آرزو ابراهیم نیا خانیکی* | گروه حقوق، دانشگاه پیام نور استان البرز، واحد ماهدشت، البرز، ایران.
| رضا وزیرلو | گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور استان البرز، واحد کرج، البرز، ایران.
| مریم شهابت رزی | گروه حقوق، دانشگاه پیام نور واحد کرج، البرز، ایران.

چکیده

اگر تاریخچه قانونی کشورهایی که در عرصه شفافیت پیشتازند را بررسی کنیم، اغلب به قانونی تحت عنوان آزادی اطلاعات برمی خوریم. قانونی که در آن، حق دسترسی عموم مردم به اطلاعات حاکمیت به رسمیت شناخته شده و مردم می توانند با ارسال درخواست، آن اطلاعات را در اختیار داشته باشند. در کشور ما نیز این قانون تحت عنوان «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» وجود دارد در ارائه آزادی اطلاعات، علاوه بر مرور چپستی و الزامات قانون آزادی اطلاعات، تجارب جهانی در این زمینه را بررسی کرده و قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» مورد ارزیابی قرار داده ایم. با مشاهده این ارائه می توانید علاوه بر شناسایی نقاط ضعف و قوت قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، جایگزین های این قانون را شناخته و برای ارتقای این قانون، پیشنهادات مبتنی بر شفافیت ارائه کنید. جریان آزاد اطلاعات در بستر دولت الکترونیک اگر چه می تواند به رشد و بالندگی جامعه و نیز به تکامل انسان منجر شود اما چالش هایی فرا روی مانده و نقض اصل حریم خصوصی و حق بر فراموش شدن، نقض امنیت انسانی و اضرار به منافع عمومی و خصوصی شهروندان و توهین و افترا و هتک حیثیت و موضوعاتی دیگر می تواند آثار مخرب اجتماعی و فردی را در پیش روی داشته باشد. و سوال اصلی که در اینجا می شود مطرح کرد این است که جریان آزاد اطلاعات چه تاثیری بر امنیت ملی کشور دارد؟ در همین راستا به این امر اذعان می گردد که جریان آزاد اطلاعات یک حق مطلق و بدون حد و مرز نمی باشد و باید مانند سایر حقوق بشری در تراحم با حقوق اولیه ی دیگر قرار نگیرد. و در این مقاله روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: دولت الکترونیک، آزادی اطلاعات، حریم خصوصی، قانون، امنیت ملی.

* نویسنده مسئول: arezooebrahimnia@gmail.com

مقدمه

کشورهایی که به لحاظ ساختار حکومتی نمی‌توانند دسترسی آزاد آحاد جامعه به اطلاعات را تضمین کنند، در زمره کشورهای ناقض حقوق بشر به شمار می‌روند. کشورهای دموکراتیک مدت‌هاست که ضرورت تدوین قانون عمومیت اسناد دولتی و یا قانون آزادی اطلاعات را درک کرده و اقدامات قانونی لازم را انجام داده‌اند. با تحولات اخیر فن‌آوری تبادل اطلاعات و ارتباطات و ایجاد فضای سیبرنتیک، جریان آزاد اطلاعات جزء لاینفک جامعه جدید محسوب شده و دیر یا زود همه کشورها ناچار به پذیرش این اصل خواهند بود. در زیر به اهمیت و تاریخچه آزادی اطلاعات، اقدامات کشورهای گوناگون و سازمان‌های بین‌المللی در جهت تحقق آن و موانع جریان آزاد اطلاعات پرداخته خواهد شد. در دوران معاصر حق بر آزادی اطلاعات مورد توجه ویژه قرار گرفته به گونه‌ای که می‌توان گفت حق مزبور یکی از ضروری‌ترین نیازهای بشر در قرن حاضر می‌باشد. بدین منظور حق بر آزادی اطلاعات مسائل جدیدی را به واسطه بروز و ظهور ابزارهای جدید و تحول در حیات انسانی به وجود آورده است. به ویژه با پیشرفت علوم و تکنولوژی اطلاعات این نیاز بیش از پیش در پرتو دولت الکترونیک مطرح می‌شود. (سلمان پور و پریشان، ۱۳۹۲: ۲۰۱)

از منظر حقوق عمومی معنای جریان آزاد اطلاعات آن است که تمام اطلاعات در اختیار دولت‌ها و نهادهای دولتی در اصل متعلق به عموم است و تنها به دلایل قانونی، همچون حفظ حریم خصوصی یا امنیت باید از افشای آنها خودداری کرد. پس جز در موارد استثنایی نمی‌توان اطلاعات و اسناد را از منظر مردم مخفی نگاه داشت و باید دسترسی به اطلاعات به عنوان یک اصل پذیرفته شود و موارد استثناء باید به صورت محدود تفسیر شود.

دسترسی به اطلاعات عمومی متضمن حق هرکس برای آزادی عقیده و بیان بوده، شامل حق جستجو، دریافت و افشای اطلاعات و عقاید است. حق دسترسی به اطلاعات یک حق بنیادین بشری است که باید از طریق تصویب قوانین جامع در سطح ملی و بر اساس اصل افشای حداکثری (که در آن فرض بر آن است که تمامی اطلاعات باید در اختیار متقاضی قرار گیرد مگر آنکه به موجب یک نظام دقیق مستثنی شده باشد) مورد حمایت قرار گیرد. حق اولیه افراد جامعه است که از وقایع داخلی و خارجی مطلع شوند، از این رو دولت‌ها مکلف‌اند زمینه‌های تحصیل این آگاهی را برای افراد ملت فراهم کنند. اصولاً شناسایی این حق در جامعه و فراهم آوردن زمینه‌های بروز و ظهور آن منجر به رشد افکار عمومی، ارتقاء فرهنگی و پرورش و پختگی نظرات می‌شود. (انصاری، ۱۳۸۵: ۴۴)

در سطح بین‌المللی و از منظر حقوق بشری باید بین مصادیق مختلف حقوق بشر ترتب و تمایز قائل شد. این تمایز گاهی از منظر شکل اجرا و یا فوریت اعمال این حقوق و آزادی‌هاست و ضرورت آن برای حیات بشری تبیین شده است. برخی آزادی اطلاعات را در زمره حقوق اولیه و هم‌ردیف با حقوقی از قبیل حق حیات تلقی کرده‌اند. می‌توان این باور را از منظر حقوق بشری پذیرفت که وجود آزادی اطلاعات برای تضمین و رعایت سایر حقوق و آزادی‌ها یک شرط لازم محسوب می‌شود. اگر نتوان نقض حقوق و آزادی‌های بشر را اعلام نمود و از این طریق سیستم‌های استبدادی را

تحت فشار قرار داد تقریبا هیچ ابزاری برای وادار کردن قدرتهای مستبد به رعایت و احترام نسبت به حقوق و آزادیها وجود نخواهد داشت. برای آنکه آزادی اطلاعات جنبه ی موثر و واقعی داشته باشد، باید بر پایه ی چهار اصل اساسی زیر استوار باشد.

الف دسترسی آزادانه به رویدادها

ب- جریان آزاد اطلاعات

ج- انتشار آزادانه اطلاعات

د- آزادی دریافت اطلاعات

از طرف دیگر مفاهیمی مانند حفظ حریم شخصی، امنیت ملی، نظم عمومی و اخلاق از چنان کلیدی برخوردار هستند که در وهله اول سوء استفاده از آنها بسیار آسان است. اما درک ما از محدودیتها و استثنائات باید با دریافت ما از ریشه ها و علل وجودی حقوقی که این استثنائات و محدودیتها بر آن بار شده اند هماهنگ و متناسب باشد. در یک نظام منسجم به خوبی می توان نشانه های چنین تناسبی را دید. مطالعه سیستم های حقوقی نظامهای بزرگ حقوقی معاصر می تواند بهترین راه درک این مقوله باشد.

مبانی نظری

آزادی اطلاعات

واقعیت این است که اگر قرار باشد افراد جامعه، نقش فعالانه تر و مسئولیت های بزرگ تری را در سازماندهی جامعه برعهده بگیرند، لاجرم باید ابزار این کار را نیز در اختیار داشته باشند. پیش از این دولت ها به طور انحصاری و صرفا بنا بر هدف های خود به تجزیه و تحلیل داده ها می پرداختند، در حالی که اکنون باید دانش خود را با عموم به اشتراک بگذارند. در میان بنیان های دموکراسی، «آزادی اطلاعات» و مؤلفه اصلی آن «حق دسترسی به اطلاعات» (۲)، در معنای «توانایی شهروندان در دسترسی به اطلاعاتی که در اختیار حکومت است»، در سال های اخیر توجه ویژه ای را به خود جلب کرده است؛ چندان که از آزادی اطلاعات و حق دسترسی به عنوان «اکسیژن» دموکراسی تعبیر می شود. در حقیقت، این آزادی و حق نه تنها ضامن تحقق دموکراسی، بلکه پیش نیاز و شاخص آن به شمار می رود. این بحث تازه نیست و ریشه در تطور جامعه مدرن دارد. (انصاری، ۱۳۸۵: ۱۵۶)

امروزه، اصلی پذیرفته شده است که اگر شهروندان، برخوردار از اطلاعات، علاقه مند و درگیر مسائل حیات اجتماعی باشند، دموکراسی، کارکرد بهتری خواهد داشت. این سه مؤلفه مهم بر یکدیگر تأثیر تعاملی و تقویت کننده دارند. برخی صاحب نظران نقش اطلاعات در زندگی دموکراتیک را به کارکرد «پول» در اقتصاد جامعه تعبیر کرده اند. شهروندان برخوردار از اطلاعات می توانند در باره زندگی سیاسی خود، به گزینش ها و انتخاب های بخردانه تری دست بیازند. همچنین آنان به کمک اطلاعات، بهتر می توانند به استدلال و ارزیابی استدلال ها بپردازند. علاقه، دومین عنصر لازم برای تحقق بهتر دموکراسی است. علاقه این انگیزه را در شهروندان به وجود می آورد تا به پیرامون خود

بهرتر و بیشتر توجه کنند و به گردآوری اطلاعات بپردازند. بالطبع آگاهی اجتماعی یک شهروند بی‌علاقه کمتر از آگاهی شهروندی علاقه‌مند به حیات اجتماعی است. درگیر شدن شهروندان در مسائل اجتماعی نیز معمولاً نشانه حمایت آنان از رژیم و مشروعیت نظام سیاسی تلقی می‌شود. اگر با تعبیر اطلاعات به مثابه پول موافق باشیم، آنگاه باید به این پرسش‌ها بیندیشیم: چه کسانی اطلاعات را در اختیار دارند؟ چه کسانی به اطلاعات دسترسی دارند؟ دامنه توزیع اطلاعات تا چه حد گسترده است؟ و... باز به اعتقاد برخی صاحب‌نظران همین پرسش‌ها هستند که پیوسته در کانون مباحث مطرح پیرامون مراحل مختلف تحول دولت‌های دموکراتیک مدرن قرار دارند. (عرفان منش، ۱۳۸۵: ۷۸)

در دوران فئودالیسم، تنها شمار اندکی از مردم با سواد بودند و به اطلاعات پیرامون جهان طبیعی و جهان سیاسی در مقیاس کوچک دوران فئودالیسم دسترسی داشتند. در واقع دسترسی به اطلاعات دولتی تنها برای شمار اندک حاکمان امکان‌پذیر بود. انتقال به اقتصاد صنعتی از یک سو با توسعه حجم و افزایش گونه‌گونی اطلاعات در جامعه، و از سوی دیگر کاهش انحصار اطلاعاتی حاکمان، همراه بود. جهش اقتصادی صنعتی امکان‌پذیر نبود و دوام نمی‌یافت مگر آنکه نیروی کار، دست کم، از سواد، آموزش و مهارت متوسط برخوردار می‌گردید. به بیان دیگر، تداوم پویایی جوامع صنعتی نیازمند آن بود که اطلاعات در سطوح به مراتب وسیع‌تری از جامعه توزیع شود. پاسخ‌گویی به این نیاز نیز تأثیرات ساختاری و ارزشی خود را در شکل دموکراتیک‌تر شدن جوامع بر جای گذاشت. از آنجا که اطلاعات، دیگر نمی‌توانست مایملک انحصاری حکومت‌کنندگان باقی بماند، به میزان قابل ملاحظه‌ای از شکاف اطلاعات میان نخبگان و شهروندان کاسته شد. بدین ترتیب برخی جنبه‌های تغییر ساختاری همراه با گذر از جامعه صنعتی به جامعه فرا صنعتی را می‌توان به عنوان ادامه و بسط تغییرات ساختاری گذر از دوران فئودالیسم به دوران صنعتی تفسیر کرد. همچنان که «شکاف اطلاعاتی» عمیق میان نخبگان و عموم مردم، با گذر از فئودالیسم به سرمایه‌داری، کاهش یافت، با گذر از سرمایه‌داری صنعتی به دوران فراصنعتی از دامنه و عمق شکاف اطلاعاتی میان نخبگان و شهروندان به میزان به مراتب بیشتری کاسته می‌شود. آزادی اطلاعات اصطلاحی است که نخستین بار در ایالات متحده آمریکا جعل شده و در مورد محتوای خود تا اندازه ایی گمراه کننده است. شاید تصور شود منظور از این اصطلاح، آزادی همه انواع اطلاعات است اما این تصور درست نیست. منظور از آزادی اطلاعات، حق دسترسی افراد به اطلاعات موجود در دستگاه‌ها و موسسات عمومی است. از نظر اخلاقی نیز چندان درست نیست که افراد به همه اطلاعات و از جمله اطلاعات شخصی دیگران دسترسی داشته باشند. قانون برخی کشورها عنوان دقیق‌تری در خصوص این آزادی دارد که نشان دهنده محتوای آن نیز می‌باشد. برای مثال، فرانسه از عنوان آزادی دسترسی به اسناد اداری و کانادا از عنوان دسترسی به اطلاعات استفاده کرده است. حق دسترسی به اطلاعات، نتیجه و محصول آزادی اطلاعات و به تعبیری، آزادی اطلاعات چارچوب بندی شده است. منظور از حق دسترسی به اطلاعات، آن است که هر یک از اعضای جامعه در هر زمان بتواند تقاضای دسترسی به اطلاعاتی را داشته باشد که در یکی از

موسسات عمومی و گاه خصوصی نگهداری می شود و آن موسسه تنها بر مبنای دلایل احصا شده و مشخص بتواند درخواست وی را رد کند. (انصاری، ۱۳۸۵: ۲۵۶)

جریان آزاد اطلاعات حق اساسی انسان

برخی کشورهای قدرتمند خود را چندان متعهد به اصول موجود در این زمینه نشان نداده و از طریق به کارگیری ابزارهای جنگ نرم و جاسوسی رسانه‌ای موجب نقض حاکمیت و امنیت داخلی دیگر کشورها شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد علی‌رغم اهمیتی که حقوق بشر و آزادی‌های انسانی دارند، اما اگر هریک از این آزادی‌ها تهدیدی برای امنیت ملی کشورها به شمار آیند، باید کنترل و محدود شوند، زیرا در تقابل بین آزادی اطلاعات و حقوق حاکمیت، اولویت بر حفظ حقوق حاکمیت است. در نتیجه، باید تلاش شود با وضع قواعد بین‌المللی به نحوی بر آزادی اطلاعات نظارت شود تا به صورت لجام‌گسیخته تبدیل به فرصتی در دست قدرت‌های بزرگ برای تحقق اهداف ضدحاکمیتی علیه کشورهای دیگر نشود. چارچوب نظری تحقیق بر مبنای اسناد و قوانین حقوق بین‌الملل است. حق دسترسی عموم به اطلاعات رسمی یا توانایی شهروندان در دسترسی به اطلاعاتی را که در اختیار حکومت است، «آزادی اطلاعات» می‌گویند. بر اساس قانون آزادی اطلاعات، دولت از قانون‌گذار می‌خواهد که امکان دسترسی به اسناد، مدارک و گزارش‌ها را برای مدت زمان تعیین شده فراهم سازد؛ البته این حق بی‌قید و شرط نیست و رعایت موازینی برای آن پیش‌بینی شده است؛ چنان‌که در قوانین آزادی اطلاعات، معمولاً اطلاعاتی را که در افشاگری مسائلی از جمله: روابط خارجی، امنیت ملی، مسائل مربوط به فعالیت‌های تجاری و بازرگانی دولت و امور شخصی افراد دخیل باشد، از حق دسترسی پذیرفته شده‌اند. قانونمندان کردن جریان اطلاعات هرگاه با تدبیر و اصول منطقی محرمانگی همراه باشد، به حفظ اطلاعات محرمانه نیز کمک مؤثرتری خواهد کرد تا زمانی که اصل محدودیت دسترسی به اطلاعات در کشور حاکم باشد؛ به عبارت دیگر، یکی از نظریات رژیم دسترسی آزاد به اطلاعات، حفظ بهتر و مؤثرتر محرمانگی از طریق قانونمندان کردن مستثنیات آن است. افزون بر این، برخی از کشورها هزینه‌هایی را برای برخورداری از این حق در نظر گرفته‌اند. بنابراین، بهره‌مندی از این حق مستلزم آن است که شهروندان، قبل از دست یافتن به اطلاعاتی که در جستجوی آن هستند، مبلغی بابت هزینه‌های اجرایی بپردازند. (عرفان منش، ۱۳۸۶: ۲۵)

بنیادی‌ترین اصل در هر کشور دموکراتیک آن است که شهروندان بتوانند به واری و نظارت بر رفتار دولت و مأموران دولتی بپردازند؛ اما این نظارت در خلأ رخ نمی‌دهد. شرط این کار، دسترسی آزادانه شهروندان به اطلاعات مورد نیاز است. آزادی اطلاعات دیرزمانی است که نه تنها به عنوان عاملی قطعی در تحقق دموکراسی، حسابرسی و مشارکت مؤثر، بلکه به عنوان یک حق بنیادین بشری نیز به رسمیت شناخته شده و قوانین اساسی و بین‌المللی از آن حمایت می‌کنند. بنیان حق دسترسی به اطلاعات بر این اصل اساسی استوار است که دولت نه مالک، بلکه امانت‌دار اطلاعات است. (سعد، ۱۳۹۴: ۵۶)

اصول و پایه های آزادی اطلاعات

حق آزادی اطلاعات از شعب و ابعاد حق آزادی بیان است و حق آزادی بیان یکی از اساسی ترین و بنیادی ترین حقوق بشری به حساب می آید. ولی هر دو حق، ذاتی انسان است و در حقیقت ((انسان بما هو انسان)) را شامل می گردد. حق شهروندان در دسترسی آزاد به اطلاعات در اختیار مؤسسات و نهادهای دولتی است که یکی از مهمترین دستاوردهای حقوق بشری است که ارتباطی نزدیک با آزادی اطلاعات و شفافیت آن دارد. مهمترین آثار اصل آزادی اطلاعات، حق دسترسی آزاد به اطلاعات می باشد که در مواردی این حق محدود شده است. اگر چه نشانه هایی از به رسمیت شناختن این حق در نظام حقوقی ایران به چشم می خورد اما با تصویب «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» و آیین نامه های اجرایی آن را می توان نخستین و جدی ترین گام در این زمینه دانست. تحقیق حاضر در پی آن است که با روش بررسی کتابخانه ای اسناد نوشتاری، به اصل آزادی اطلاعات با تأکید بر قانون انتشار و دسترسی آزاد بپردازد. از این رو نخست به ماهیت حقوقی اصل آزادی اطلاعات و جایگاه آن در حقوق ایران پرداخته است و کوشیده شده، که مفهوم دسترسی آزاد به اطلاعات از سایر مفاهیم مشابه تمیز داده شود. سپس به آزادی اطلاعات و تراحم آن با حریم خصوصی و همچنین محدودیت ها و استثنائات اصل آزادی اطلاعات پرداخته و تحلیل شده است و در نهایت به مواد قانون مذکور پرداخته و نکات قوت و ضعف آن و همچنین ضمانت اجرای موجود در آن، مورد بررسی قرار گرفته است. چنانچه نفس تصویب این قانون و آیین نامه های اجرایی آن و به رسمیت شناختن این حق برای شهروندان ایران و تأکید بر تکلیف دولت بر ارائه اطلاعات، گامی مهم و مؤثر و قابل توجه است. در جامعه اسلامی همه چیز باید در شفافیت در دسترس مردم باشد. هر چند این دیدگاه برای اینکه در تعارض و تضاد با اخلاق اسلامی در حفظ حریم خصوصی دیگران نباشد دارای محدودیت هایی است اما دسترسی به اطلاعات کمک می کند تا شهروندان اطمینان بیابند که حکومت از قدرت خود، خصوصاً در شرایط اضطراری سوء استفاده نمی کند. نکته مهم، بحث شفافیت است؛ یکی از مواردی که به دنبال قوانین آزادی اطلاعات خود را بسیار نشان می دهد، شفافیت است، اما باید توجه کرد که شفافیت تنها یک وسیله برای واری و مهار قدرت نیست، بلکه بیشتر ابزاری برای افزایش ظرفیت جامعه در حفظ نظم است؛ نظمی که آزادی جامعه بدان متکی است. در حقیقت شفافیت می تواند قویاً به ساختن دولتی انعطاف پذیر و پاسخگو در برابر حقوق شهروندان یاری دهد. همچنین باید یادآور شد در متون اسلامی، مفهوم «احتجاب» نکوهیده شده است. جدایی مدیریت از ارباب حاجب و استتار نسبت به نیروهای سازمان تحت مدیریت، مدیر را از واقعیت ها دور می سازد و ارتباطات سازمان را مختل می کند و نظارت وی را ضعیف می گرداند. (سلمان پور و پریشان، ۱۳۹۲: ۱۰۶)

مبانی و استدلال های مختلفی برای شناسایی آزادی اطلاعات و حمایت از آن ارائه شده است. این مبانی که در شرایط تاریخی مختلف مورد استناد واقع شده اند در یک تقسیم بندی به مبانی سیاسی، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قابل دسته بندی هستند. استدلال هایی را که درباره نقش آزادی اطلاعات در شکل گیری اعمال، توزیع و گردش قدرت در جامعه ارائه شده اند

می توان مبانی سیاسی آزادی اطلاعات نامید که عبارتند از رفع نقایص آزادی اطلاعات و مطبوعات، گسترده و مستمر ساختن مشارکت و نظارت مردمی، شفاف سازی حکومت. مبانی حقوقی آزادی اطلاعات نیز عبارتند از استدلال هایی که در دفاع از تعلق اطلاعات به مردم، وجود ملازمه بین آزادی اطلاعات و مسؤول شناسی در حکومت و پاسخگویی مسؤولان و خلاف قاعده بودن محرمانگی اطلاعات دولتی و در نهایت مبارزه با فساد اداری ارائه شده اند. علاوه بر این آزادی اطلاعات از نظر اجتماعی وسیله ای برای توانمند سازی از نظر اقتصادی، زمینه ساز سرمایه گذاری خارجی و استفاده از وام های بین المللی و از لحاظ فرهنگی تدبیری برای حمایت از تولید علم و توسعه فرهنگی شناخته شده است. (انصاری، ۲۰۵: ۱۳۸۵) اولین حق، حقی است که به هر شخص اجازه دهد تا به اطلاعاتی که در نهادهای دولتی نگهداری می شوند دسترسی داشته باشند. حق دوم، آن است که به هر شخص اجازه دهد به اطلاعات رسمی ای که مرتبط با خودش هستند - برای اصلاح اطلاعات ناقص، اشتباه و گمراه کننده - دسترسی داشته باشند و آن ها را تصحیح کنند؛ و در انتها، حقی که به عموم اجازه دهد تا به دلایل تصمیماتی که بر آن ها تأثیر گذار می باشند آگاهی داشته باشند. مواردی مهم در قوانین آزادی اطلاعات کشورها یافت می شوند که بدون در نظر گرفتن و پرداختن به آن ها نمی توان درباره این قوانین صحبتی به میان آورد. (سلمان پور و پریشان، ۱۰۹: ۱۳۹۲)

آزادی اطلاعات در حقوق بشر

در مقدمه منشور چنین بیان شده است: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. ملت ایران این حق را از طریق اصول قانون اساسی اعمال کرده؛ به موجب اصول ۱۱۳ و ۱۲۱ مسئولیت اجرا و پاسداری از قانون اساسی را برعهده رئیس جمهور نهاده است. رئیس جمهور که در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران بر پشتیبانی از حق، گسترش عدالت و حمایت از آزادی و کرامت انسانی افراد و حقوق ملت در قانون اساسی به خداوند سوگند یاد کرده است، «منشور حقوق شهروندی» را برنامه و خطمشی دولت برای رعایت و پیشبرد حقوق اساسی مردم اعلام نموده است. این منشور با هدف استیفاء و ارتقای حقوق شهروندی و به منظور تدوین «برنامه و خط مشی دولت»، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی، تنظیم شده و شامل مجموعه ای از حقوق شهروندی است که در منابع نظام حقوقی ایران مطرح شده و یا دولت برای شناسایی، ایجاد و اجرای آنها مبادرت به اصلاح و توسعه نظام حقوقی، تدوین و تصویب لوایح قانونی یا اقدام قانونی لازم نموده و یا خواهد نمود. آزادی اطلاع رسانی نه تنها به موجب اصله اباحه مورد منع شارع نیست، بلکه دلیل بر تأیید شارع نیز وجود دارد و حتی در مواردی ضروری است و از مصادیق بارز آزادی بیان است که در اسناد بین المللی از جمله اعلامیه ی جهانی حقوق بشر آمده است. از سوی دیگر حق حریم خصوصی و منع ورود به حیطة ی خصوصی افراد نیز مورد نظر شارع مقدس می باشد و در دهه های اخیر مورد

توجه جدی حقوق دانان بوده است و گرایش عمومی در کشورها، تصویب قوانین مستقل در خصوص حمایت از حریم خصوصی است. حق آزادی اطلاع رسانی رسانه ها و حق حریم افراد در مواردی در تقابل با یکدیگر قرار می گیرند. قوانین و مقررات ایران حدود این حقوق را از یکدیگر مشخص نکرده است. بنابراین لازم است رابطه ی آنها مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گیرد. علاوه بر حریم خصوصی، اشاعه ی فحشا، نفع و مصلحت عمومی برای سانسور از موارد استثنایی اصل آزادی اطلاع رسانی است. (موحد امجد، ۱۳۹۱: ۴۷)

امنیت ملی و حدود حقوقی دسترسی به اطلاعات در فضای سایبر

اعمال حق دسترسی به اطلاعات نیز همانند سایر حقوق، مطلق و بی قید و شرط نیست و دارای حدود خاصی است (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۴۹). به تعبیری از محدودیت ها یا استثناهای حق دسترسی به اطلاعات می توان به سوپاپ اطمینان رعایت حق تعبیر کرد. در این خصوص قوانین آزادی اطلاعات در کشورهای مختلف جهان تقریباً استثناهای مشابهی را پیش بینی کرده اند. امنیت ملی، اسرار دولتی، حریم خصوصی، مالکیت فکری، ایمنی و سلامتی افراد از مهم ترین توجیهات محدود سازی، قلمداد شده اند (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

حمایت از استثناهای دسترسی به اطلاعات در صورتی می تواند قابل توجیه باشد که منفعت بالاتری را تضمین نماید؛ لذا به هر بهانه ای نمی توان آزادی اطلاعات را محدود کرد. به همین دلیل بند دوم ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر اعلام داشته: «آزادی در آشکار ساختن مذهب یا عقاید یک شخص، تنها تابع محدودیت هایی خواهد بود که در قانون مقرر شده؛ در یک جامعه دموکراتیک به خاطر سلامت عمومی، حفاظت از نظم عمومی، بهداشت یا اخلاقیات یا حمایت از حقوق و آزادی های دیگران ضرورت دارند».

امروزه تردیدی وجود ندارد که توسعه و گسترش اینترنت و همچنین بهره مندی از این ابزار نوین ارتباطی، نیازمند یک نظام حقوقی مدون و منسجم است. نظام حقوقی مورد نظر باید بتواند ضمن تامین آزادی این رسانه نوین، مانع سوءاستفاده احتمالی از آزادی بیان شده و به مردم اطمینان دهد که دسترسی و استفاده آن ها از رسانه های اینترنتی ارزان، امن و پایدار خواهد بود. در بین رسانه های اینترنتی، پایگاه های اطلاع رسانی یا همان سایت های خبری به لحاظ نقش و تأثیری که بر تامین حق آزادی اطلاعات دارند، شاید بیش از سایر این رسانه ها نیاز به نظام حقوقی مدون و منسجم دارند. (اسدی و بابازاده مقدم، ۱۳۹۶: ۱۶۳)

بدون تردید اینترنت نقش مهمی در تأمین حق آزادی اطلاعات دارد. افراد زیادی در سراسر جهان از طریق اینترنت به دنیایی از اطلاعات دسترسی پیدا می کنند. بدون توجه به مرزها و فاصله ها، زمینه ابراز عقیده و انتقال اطلاعات در اینترنت با مزایای فراوان (سرعت، قیمت پایین، مخاطب وسیع، استفاده همزمان از متن -صوت و تصویر و ...)، مهیا است. مردم نیز به دلیل تأثیر اینترنت در زندگی روزمره شان، انتظار دارند خدمات اینترنت قابل دسترس، امن، ارزان، مداوم و معتبر باشد. (Jakubowicz, ۲۰۰۹: ۴) به همین دلیل دولت های آزادی گرا متعهد هستند که ثبات و

امنیت اینترنت را به عنوان یک منبع جهانی تضمین نمایند. با توجه به اهمیت رسانه های اینترنتی و به ویژه فعالیت سایت های خبری به دلیل نقش مؤثری که در اطلاع رسانی و آگاهی بخشی بر عهده دارند، این رسانه نوین نیازمند تدوین و اعمال نظام حقوقی مناسب است. نظام حقوقی که ضمن تأمین آزادی فعالیت رسانه، از سوء استفاده احتمالی از آزادی بیان جلوگیری نموده و به مردم اطمینان دهد که دسترسی و استفاده آن ها از رسانه های اینترنتی امن و پایدار است.

با شناخت دقیق از وضعیت اینترنت، تردیدی برای پالایش محتوای غیرقانونی و مضر آن وجود ندارد؛ اما با توجه به تأثیر اینترنت به ویژه سایت های خبری در تأمین حق آزادی بیان و دسترسی آزاد به اخبار و اطلاعات، ضروری است بایدها و نبایدهایی برای اجرای فیلترینگ مشخص و اعمال گردد. این بایدها و نبایدها را می توان در قالب اصول زیر تبیین نمود:

- در اینترنت نیز مانند سایر رسانه ها، اصل مداخله حداقلی دولت ها برقرار است. باید سیاست گذاری و اعمال فیلترینگ در اختیار نهادهای مستقل قرار گیرد و حکومت ها در نقش راهنما و حامی این نهادها باشند.

- باید تدابیری اتخاذ شود تا محدود نمودن دسترسی به محتوای غیرقانونی و مضر سایت های خبری، تبدیل به مانعی برای دسترسی به سایر مطالب و اخبار نگردد. بنابراین باید تلاش شود تا دامنه فیلترینگ حتی المقدور محدود شده و از توسعه مصادیق آن خودداری گردد.

- فیلترینگ به عنوان یک محدودیت آزادی بیان، باید طبق قانون انجام شود. به همین منظور ضروری است قوانین و مقررات پالایش به ویژه مصادیق آن، توسط نهادی مستقل تدوین شده و پیش از اجرا به عموم اطلاع رسانی شود.

- پالایش محتوای اینترنت مانند سایر اعمال حکومت ها نیاز به شفافیت دارد. اگر حکومت ها بدون پیروی از قانون، به صورت پنهانی و بدون نظارت افکار عمومی، اقدام به فیلترینگ نمایند، خطر سوء استفاده از قدرت و ایجاد محدودیت برای آزادی بیان، جامعه را تهدید خواهد کرد.

- همواره باید تلاش شود تا در اجرای فیلترینگ از روش ها و برنامه های هوشمند استفاده گردد که میزان خطا در آن وجود نداشته یا تا حد ممکن کاهش یابد.

- آموزش نقش بسزایی در استفاده صحیح و اجرای مطلوب فیلترینگ دارد. همه افرادی که فیلترها را اجرا یا استفاده می نمایند، باید اطلاع دقیقی از اهداف فیلترینگ و محدودیت هایی که در نتیجه آن امکان دارد ایجاد شود، داشته باشند.

تهدید امنیت ملی با عدم مدیریت فضای مجازی قدرت در فضای سایبری

امروزه فضای مجازی و جریان های اطلاعاتی موجود در آن از مهمترین جریان های قدرت به شمار می رود که عدم مدیریت این فضا می تواند باعث نابودی و فروپاشی یک نظام سیاسی شود. بدین جهت کشورهای پیشرفته دنیا سعی می کنند، به شیوه و طرق مختلف بر فضای مجازی اعمال مدیریت و حاکمیت کنند و اجازه ندهند کشورهای متخاصم مدیریت آن را به دست گیرند. درباره

اینکه جریان های اطلاعاتی چگونه این توان و ظرفیت را به دست آورده است تا در مسائل قدرت، جریان ساز و موثر باشند، مانوئل کاستلز اسپانیایی، نظریه پرداز و اندیشمند بزرگ معاصر که آثار او عمدتاً میان رشته ای شناخته می شوند در آخرین اثر خود «قدرت ارتباطات» این گونه تبیین کرده است که «جریان های اطلاعاتی» قدرتمندتر از جریان های قدرت هستند. کتاب «قدرت ارتباطات» از جمله مهمترین آثار مانوئل کاستلز تلاشی است به منظور تبیین روابط قدرت در جامعه شبکه ای و پاسخ به این پرسش که قدرت در کجای جامعه شبکه ای قرار دارد. (دیوسالار، ۱۳۹۲:۹۸)

کاستلز در این کتاب این فرضیه را مطرح می کند که قدرت در جامعه شبکه ای در ارتباطات نهفته است و کنترل کنندگان جریان ارتباطات صاحبان قدرت هستند و تصریح می کند که دو مکانیسم اصلی قدرت سازی در شبکه ها عبارت است از: برنامه نویسی و راه گزینی. او سپس اثبات می کند که شبکه های ارتباطی و رسانه ای با تصویر سازی، چارچوب بندی و تسخیر ذهن مخاطب و کاشت معنی مورد نظر در افکار عمومی اعمال قدرت می کنند.

کاستلز قدرت را در توانمندی ارتباطی برای تحمیل اراده و ارزش های بازیگران اجتماعی به دیگران می داند و با بیان اینکه قدرت در جامعه شبکه ای از طریق شبکه ها (شبکه های اجتماعی) جریان می یابد چهار شکل از قدرت در این شرایط فناورانه و اجتماعی را ارائه می دهد: قدرت شبکه بندی، قدرت شبکه ای، قدرت شبکه ای شده و قدرت شبکه سازی. کاستلز نهایتاً این گونه نتیجه می گیرد که به رغم تغییرات صورت گرفته در دسترسی ها، ضعیف شدن نقش دروازه بانان و پیام رسان ها در جامعه شبکه ای همچنان قدرت اصلی در اختیار حکومت ها، گول های رسانه ای و شرکت های عظیم رسانه است چرا که آنها هستند که قدرت شبکه سازی، برنامه ریزی، بازبرنامه ریزی و راه گزینی دارند.

فضای سایبر در بهینه سازی فرایندها تحول بنیادینی ایجاد کرده است؛ تا اندازه ای که تقریباً در همه حوزه های خرد و کلان به کار می رود. طی سال های اخیر، بحث های کلان درباره تحقق دولت الکترونیکی به طور جدی مطرح و در این راستا اجلاس های منطقه ای و جهانی برگزار شده که از آن جمله اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی آدر سوئیس در دسامبر ۲۰۰۳ است که در آن، اعلامیه اصول^۳ با حضور رئیس جمهور و نخست وزیر و ۸۹ وزیر و همچنین سفیران و نمایندگان سیاسی در جمعی دوازده هزار نفری از اقشار فعال این حوزه تصویب شد و طبق آن ملزم شدند که در راستای استقرار جامعه اطلاعاتی و بایسته های آن بکوشند. در سال ۲۰۰۵ نیز که این اجلاس در تونس برگزار شد، اعلامیه دیگری با عنوان تعهد تونس^۴ به تصویب رسید.

طرح جدی این گونه بحث ها بدین دلیل است که به کارگیری این فناوری از سودمندی و فایده رسانی فراتر رفته و به ضرورت تبدیل شده است؛ به گونه ای که، حضور در جامعه جهانی

² -World Summit on Information Society.

³ -Declaration of Principles.

⁴ -Tunis Commitment.

کنونی متضمن بهره‌مندی از زیرساخت‌ها و سازوکارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی است. (دیوسالار، ۹۸: ۱۳۹۲)

درباره آزادی اطلاعات، ملموس‌ترین نتیجه‌ای که از الکترونیکی شدن امور دولتی عاید شهروندان می‌شود، این است که زمینه‌های بروز فساد اداری کاهش می‌یابد. زیرا مهم‌ترین عامل ارتکاب فساد-یعنی اعمال نظر شخصی و سوءاستفاده از سمت اداری- حذف می‌شود و از این پس برنامه‌های رایانه‌ای از پیش تنظیم شده‌اند که به جای کارگزاران به نیازهای مراجعه‌کنندگان پاسخ می‌دهند. حتی اگر شهروندان هم تمایل داشته باشند که خارج از سازوکارهای مقرر اداری عمل کرده و در ازاء آن منافع نامشروع پرداخت کنند، این امکان نیز از آنان سلب خواهد شد و بدین ترتیب، مبارزه دوسویه مؤثری علیه فساد به عمل خواهد آمد.

وظیفه دولت در ایجاد آزادی بیان و اطلاعات

اطلاعات موضوع آزادی بیان، یافته‌ها و دیدگاه‌های شهروندان نسبت به امور کشورشان است که با هدف آگاهی بیش‌تر مردم و از آن مهم‌تر مسؤولان نسبت به آنچه در کشور می‌گذرد، بازتاب می‌یابد. ولی در آزادی اطلاعات، دولت موظف است که اطلاعات مربوط به امور حاکمیتی و تصدی‌گری خود را جز در موارد کاملاً مشخص و محدود در اختیار شهروندان قرار دهد تا آنان مشارکت آگاهانه‌تری در اداره حکومت داشته باشند. از این‌رو، نه تنها نوع اطلاعات، بلکه عامل ارائه و انتشار آنها نیز متفاوت است و در عمل تفاوتی نمی‌کند که اجراء این قاعده در فضای سایبر دنبال شود یا در جهان فیزیکی. زیرا، این تمایزهای بنیادین در همه جا وجود دارند. برای مثال، نمی‌توان از فیلترینگ برای رعایت مصالح و مقتضیات آزادی اطلاعات در فضای سایبر استفاده کرد؛ هرچند امکان به کارگیری مشترک برخی از ابزارها مانند تدابیر صدور مجوز انکارشدنی نیست. ولی درباره محدودیت‌ها و موانع پیش روی تحقق هدف‌های آزادی اطلاعات در فضای سایبر، به‌طور کلی می‌توان آنها را در دو گروه قرار داد: گروه نخست به ماهیت خود این فضا مربوط می‌شود و گروه دوم محدودیت‌ها و ضوابط قانونی است که همانند آزادی بیان براساس مصالح و مقتضیاتی تصویب و لازم‌الاجراء شده‌اند. (موحد امجد، ۵۸: ۱۳۹۱)

پارادوکس جریان آزاد اطلاعات با اصل حریم خصوصی

در حال حاضر در ارایه یک تعریف جهانی از حریم خصوصی توافقی وجود ندارد اما به این منظور کوشش‌های زیادی صورت گرفته است. حریم خصوصی را می‌توان "حق تنها ماندن" یا "حق داشتن تنهایی" دانست. حق شخصی و حق زندگی برای رهایی از تبلیغات و دخالت‌های بی‌جا بوسیله عموم در اموری که لزومی به دخالت آنها نیست.

به سخن دیگر، حقی است بر میزان رازداری و محرمانگی می‌توان بین انواع حریم خصوصی از قبیل حریم خصوصی روان‌شناسی و حریم خصوصی ارتباطات و اطلاعات قایل به تفکیک شویم. البته در این تحقیق توجه به حریم خصوصی اطلاعات معطوف است. حریم خصوصی اطلاعات

شامل گرد آوری، استفاده و پخش اطلاعات راجع به افراد است. حق حریم اطلاعات خصوصی، حق نظارت بر افشا و دسترسی به اطلاعات شخصی است. به عبارت دیگر حریم خصوصی اطلاعاتی عبارت است از مطالبه ای که افراد، گروهها و یا نهادها در زمینه ی تعیین چگونگی و حد انتقال اطلاعات در مورد آنها به سایرین دارند".

حریم خصوصی از منظر اسناد بین المللی و اسناد منطقه ای و قوانین داخلی کشورها مورد توجه قرار گرفته است و همه این اسناد و قوانین حیثیت و اسرار و زندگی خصوصی انسان را مورد حمایت قرار می دهند. از آن جمله می توان به ماده ی ۲۱ اعلامیه ی جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ میلادی، اعلامیه حقوق بشر اسلامی ۱۹۹۰ قاهره، کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، بیانیه ۱۹۶۸ تهران، کنوانسیون شورای اروپا راجع به آزادی های اساسی مصوب ۱۹۵۰ و کنوانسیون شورای اروپا راجع به حق حریم خصوصی در ۱۹۹۵ اشاره کرد. (آقابابایی، عباسی، ۱۳۸۹: ۱۰۱)

به طور خاص اطلاعاتی که می تواند محرمانه یا شخصی تلقی شود و امکان افشای آن از طریق اینترنت هست عبارتند از "علایم تجاری، روابط جنسی، امور مذهبی و سیاسی، اطلاعات پزشکی و مالی و امنیتی" این اطلاعات که به دلایل مختلف و برای سهولت دسترسی به آنها و یا انتقال به دیگران از سوی شبکه های رایانه ای حفظ می شود به راحتی می تواند در اختیار افراد غیر صالح قرار گیرد و با افشای آن ضررهای هنگفتی به مال یا آبروی افراد وارد آید.

شبکه های رایانه ای تاکنون چالش های اجتماعی شدیدی در حوزه ی مالکیت معنوی و حریم خصوصی ایجاد کرده اند. با آنکه فن آوری و خدمات رایانه ای دایما در حال تکامل اند بسیاری از این چالش ها همچنان باقی مانده اند به همین دولتها باید اهداف، اصول و ارزش هایی را تعریف کنند که نظامهای ارتباطی اشان را فعال سازد. اطلاعات شخصی نوعی دارایی است که تحت کنترل افراد تولید کننده آن است نه در دست جمع آوری کننده آن. از این دیدگاه مقررات گذاری شرکت های خصوصی ابزار کافی نیستند، چرا که باعث ایجاد مقررات متناقض و پیچیده در بخشهای مختلف می شود ولی مقررات گذاری دولتی، تسهیل جریان اطلاعات مبادله شده، تقویت تجارت الکترونیکی، حمایت از حقوق بشر را به دنبال دارد.

در دولت الکترونیک، اطلاعات شهروندان و حتی نهادهای بخش خصوصی و مردم نهاد در اختیار نهادهای دولتی قرار می گیرد. این موضوع باعث بوجود آمدن مسوولیت هایی برای بخش دولتی در حفاظت از اطلاعات افراد حقیقی و حقوقی می شود. هنگامی که مشتری با بخش های غیر دولتی ارتباط دارد، می تواند تصمیم بگیرد که به چه شرکتی، چه اطلاعاتی را بدهد. اما هنگام ارتباط دولت با شهروندان، دولت با قدرت قهریه می تواند شهروندان را مجبور به تسلیم هر نوع اطلاعاتی کرده و نیز بدون اطلاع شهروندان، اطلاعات آنها را در اختیار هر نهادی قرار دهد (Bevier, 1995:44).

همچنین داده های بزرگ نیز مساله ی حریم خصوصی شهروندان را پیچیده تر کرده است. داده های شخصی پراکنده شهروند که در اختیار نهادهای مختلف است، شاید به اندازه ی داده های بزرگ موجب نگرانی شهروندان نشود. مجموعه ی عظیم داده های شخصی شهروندان که بر روی

رسانه های دیجیتالی قرار دارد، با جمع شدن در یک مکان، نوعی داده بزرگ محسوب می شود که می تواند تصویر کاملی از یک شهروند را ارائه دهد (Stark, 2016:78).

ادراک شهروندان از این موضوع که دولت الکترونیک به نوعی نقض کننده ی حریم خصوصی آنان است، می تواند موجب عدم اعتماد آنها به دولت الکترونیک شود. ایمنی و حفظ حریم خصوصی شهروندان از عوامل مهمی است که بر استقرار دولت الکترونیک اثر گذار است. سطح ایمنی و حفظ حریم خصوصی بر میزان اعتماد شهروندان به دولت الکترونیک اثر می گذارد و در صورتی که شهروندان به این نتیجه برسند که مبادلات الکترونیکی از ایمنی لازم برخوردار نیست یا اطلاعات خصوصی افراد توسط سایرین قابل دسترس است، اعتماد خود به دولت الکترونیک را از دست خواهند داد، از این رو یکی از روش های تقویت اعتماد شهروندان، بالا بردن سطح ایمنی و حفظ حریم خصوصی شهروندان است. حریم خصوصی کاربر خدمات دولت الکترونیکی، نمایانگر شرایطی است که تحت آن فرد مایل به سهیم شدن اطلاعات فردی با دیگران است. حریم خصوصی زمانی نقض می گردد که شرایط ضروری برای سهیم شدن اطلاعات نقض شود. (تقی پور، ۸۲: ۱۳۹۰)

افراد برای انجام بسیاری از امور روزمره ی خود از طریق اینترنت نیازمند اشتراک گذاری اطلاعات زیادی هستند که بسیاری از آنها جزء حریم خصوصی شان محسوب می شود و در مقابل دولت ها نیز برای برقراری امنیت نیازمند دسترسی به اطلاعات خصوصی افراد هستند. اما این وظیفه تمامی شرکت های ارائه دهنده خدمات اینترنتی و در سطحی بالاتر و تعیین کننده تر وظیفه دولتهاست تا از این اطلاعات و داده ها در مقابل افراد سودجو محافظت نمایند و همچنین خود نیز از نفوذ و قدرتشان در جهت مخالف حقوق شهروندی افراد استفاده نکرده و در نهایت به حقوق شهروندان در فضای مجازی همانند شهروندان فیزیکی احترام بگذارند. امنیت و حریم خصوصی افراد با ظهور و گسترش اینترنت و ابزارهای اطلاع رسانی بیش از گذشته نادیده گرفته می شود و در آن حقوق فردی کم رنگ تر می شود. با توجه به اهمیت حریم خصوصی و تاثیر آن بر تک تک افراد جامعه نمی توان این موضوع را به حال خود رها کرد بلکه باید به دنبال راه حل های اساسی و کلیدی برای این موضوع بود (همان: ۱۴۸)

نتیجه گیری

گسترش روزافزون ارتباطات و تأثیر آن بر فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع، پیچیدگی های ناشی از پیشرفت سریع و شتابان فن آوری وجود دولتی کارآمد و به روز را به منظور انجام وظایف حکومتی ضروری می نماید. در مورد دولت، چگونگی کارکرد آن، مکانیزم های درونی و رابطه آن با سایر نهادهای جامعه نظریه های مختلفی مطرح شده است. علی رغم تفاوت های روش شناختی این نظریات، همه آنها بر این مسأله تاکید دارند که دولت می بایست برای انجام وظایفش کارایی خود را بالا ببرد. از جمله راه کارهای ارتقاء کارایی دولت، پیاده سازی و استقرار سیستم هایی است که به طور خلاصه به دولت الکترونیکی مشهور می باشند. در واقع دولت الکترونیکی یکی از پدیده های مهم حاصل از به کارگیری فن آوری اطلاعات و ارتباطات است که

تحولات عمیقی را در شیوه زندگی بشر امروزی ایجاد کرده است. این تحقیق به منظور شناسایی وضعیت بلوغ دولت الکترونیکی و معرفی الزامات استقرار کامل آن در کشور، پس از معرفی کامل **دولت الکترونیک**، تجربه کشورهای مختلف در زمینه پیاده سازی دولت الکترونیکی را مورد بررسی قرار داده و سپس ضمن بررسی عملکرد دستگاه‌های مختلف در این زمینه و مقایسه آن با تکلیف‌هایی که در برنامه چهارم توسعه بر عهده دستگاه‌های مذکور نهاده شده است، به بررسی وضعیت پیاده‌سازی دولت الکترونیک در ایران و چالش‌های پیش روی آن پرداخته است. امروز اجتماعات به جوامع علمی و شهروندان نیز به کاربران شبکه ای اطلاعاتی تبدیل شده اند. اکنون مردم بیشتر به حقوقشان آگاه هستند و سعی می کنند که توانایی های خود را در اخذ تصمیمات آگاهانه در جنبه های تأثیر گذار بر زندگی شان توسعه دهند. در همین راستا ایده دولت های الکترونیکی در اقصی نقاط دنیا مورد توجه قرار گرفته است و کشورهای توسعه یافته حرت هایی را در جهت نیل به این هدف شروع کرده اند. می توان گفت که دولت الکترونیکی از حد یک ایده جدید فراتر رفته و همه کشورهای توسعه یافته حتی در حال توسعه، گامهای موفقی را به سوی این هدف طولانی مدت برداشته اند. امروز افراد جامع انتظار دارند که کلیه خدمات و سرویس های دولتی با حداقل هزینه، حداکثر سرعت و حداقل زمان در اختیار آن قرار گیرد، لذا این امر بسیار حائز اهمیت است که دولت این توانایی را داشته باشد که بهترین خدمات را در کمترین زمان و با بهترین راندمان در اختیار اقشار مختلف جامعه قرار دهد. سیستم ها و ابزارهایی که در حال در حال حاضر در ادارات دولتی برای ارائه خدمات و اطلاعات به شهروندان مورد استفاده قرار می گیرند قدیمی بوده و روند کار در دستگاه های دولتی کند است. آنها در جلب رضایت شهروندان موفقیت چندانی ندارند. از سوی دیگر سرمایه گذاری های قابل توجهی در زمینه طراحی و به کار گیری سیستم های جدید در بخش دولتی صورت نمی گیرد، اما با توجه به اهدافی که برای دولت الکترونیکی مورد نظر است، کشورها فقط در صورتی در پیاده سازی مطلوب دولت الکترونیکی موفق می شوند که سیستم های داخلی بخش دولتی، داده ها و اطلاعات و ابزارهای مدیریتی با یکدیگر هماهنگی و سازگار باشند. ازسوی دیگر در دولت الکترونیکی هدف بر این است که به جای اینکه زمان و منابع را به پیش پردازش و ورود اطلاعات و سازماندهی آنها اختصاص دهیم بتوانیم قسمت عمده زمان و منابع موجود را به حل مشکلات، بررسی و ارائه راه حل های شاخص و خدمات دهی مستقیم به استفاده کنندگان خدمات دولتی اختصاص دهیم. هرچه دولت ها منابع بیشتر و سرویس های متنوع تری را از طریق شبکه به شهروندان ارائه دهند، نیاز به وجود یک سامانه دو سویه ارائه خدمات، بیشتر آشکار می شود. این سیستم دو سویه علاوه بر وادار کردن شهروندان به بهره گیری از شبکه برای دریافت خدمات از دولت، سبب می شود که سطح مهارتها و فرهنگ جامعه اطلاعاتی نیز ارتقا یابد.

منابع و مراجع

اسدی، عباس، بابازاده مقدم، حامد، اصول پالایش (فیلترینگ) پایگاه های اطلاع رسانی اینترنتی، مطالعات رسانه های نوین، ۱۳۹۶، شماره ۹.

آقا بابایی، حسین. عبای، مراد، حریم خصوصی، قضای مجازی و چالش های پیشگیرانه فراروی ناجا، فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم شماره ۱۷ زمستان ۱۳۸۹

انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، تهران، دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۶.

انصاری، باقر، مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات، نامه حقوقی، ۱۳۸۵.

تقی پور، سیروس، حقوق شهروندی و قوه قضاییه ی ایران ماهنامه دادرسی، شماره ۸۹، سال ۱۳۹۰

دیوسالار، سهیلا، محدودیت در فضای مجازی با تکیه بر فقه و حقوق ایران، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۲.

زمانی، قاسم. عطار، شیما، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵۵ پاییز و زمستان ۱۳۹۴

سعد، علی، درآمدی بر سیاست های فیلترینگ سایت های اینترنتی، مطالعات رسانه های نوین، ۱۳۹۴، سال اول، شماره ۲.

سلمان پور، امیر، پریشان، جابر، مطالعه تطبیقی دسترسی به اطلاعات دولتی در ایران و کشورهای پیشرو آزادی اطلاعات، علوم خبری، ۱۳۹۲، شماره ۶.

عرفان منش، محمد امین، آزادی اطلاعات، ره آورد نور، ۱۳۸۶، شماره ۲۱.

موحد امجد، محمد علی، اینترنت، محدودیت ها (filtering) و چالشها از منظر فقه و حقوق، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۱.

Jakubowicz, Karol, A New Notion of Media ,2009.

Bevier. L.R. (1995) information about individual in the hands of government. some reflection on mechanisms for privacy protection. William and mary Bill of Right. Journal 4(1)

Stark. L. (2016) the emotional contex of information privacy. the information journal.